

سیاح برجسته

«راه بزرگ ابریشم»

● دکتر سبزه‌علی عصا زاده
 استاد دانشگاه ملی تاجیکستان
 ● تعلیقات و برگردان از سیرلیک به فارسی: حبیب اله اسماعیلی

در تاریخ بشر اکثر وقت نام و فعالیت یک زمره مردان دلیر، متین و صادق توسط سفر و کشفیاتشان جاودانه ثبت گشته و از سفرنامه و کشفیات آن‌ها نه تنها آیندگان عبرت می‌گیرند، بلکه برای عده‌ای، آن‌ها هم چون نمونه‌ی مبارزه و حیات درست خدمت می‌نمایند. سفرنامه ناصر خسرو، ابن بطوطه، مارکوپولو، نیکیتا افاناسیف، کریستف کلمب، واسکودوگاما، میلکوها ماکالای و دیگر سیاحان در عالم مشهور بوده، کار و فعالیت آن‌ها در سراسر جهان خواننده و مخلصان خود را دارند. در بین سیاحان، قیدهای * سفر زاهد و راهب بودایی چینی سیوان - سُزان، خیلی عبرت‌بخش و فراغ‌انگیز * می‌باشد. کار و فعالیت او در اروپا توسط ترجمه قیدهای سفرش از طرف محققان: استانیسلاو ژبولین؛ کامل ویوین دوسن مارتین؛ جنرال کونینگام، (درباره‌ی سفر به هندوستان)؛ گنری یول (دایر به * تخارستان)؛ سی. بیل؛ ریخت گوپن. اف (۱۱:۵۶) معلوم * گشته [است]. کم‌وبیش دایره سرگذشت سیوان - سُزان، پژوهشگرانی امثال: موشکیتو فایو؛ او. فیدچنکو؛ سنکوفسکی اوای، مینایف؛ این. آ. گریگوروف گ؛ وو. بارتولد و چند نفر دیگر معلومات * داده‌اند. ترجمه‌ی روسی اثر سیوان - سُزان [با عنوان: "Сино цзи" از جانب وب. افاناسیف انجام داده، هنوز چاپ نگردیده است (۲۵۶:۱۴) مواد آماده نموده کلاسوویکی [با عنوان: "История жизни - Гуиэн-тсанга и его странствования по Индии Между ۶۲۴-۶۴۵г" (Вест. И. Р. Гобш. ۱۸۵۲ №۱) [از] کتاب‌های آسیای میانه (از جمله در تاجیکستان و ازبکستان) موجود نیست و دایره آن در شبکه‌ی اینترنت نیز معلومات دیده نمی‌شود. در عین حال، زندگی‌نامه‌ی این راهب بزرگ در شکل کتاب علی حده خطی فارسی نیز آماده گردیده است. در علم * بیشتر ترجمه س. ژبولین به زبان فرانسوی معروف می‌باشد. از بس که قیدهای سیوان - سُزان برای آموختن تاریخ آسیای مرکزی مهم می‌باشد، در تکیه به معلوماتی جای داشته، مختصراً می‌توان سرگذشت او را پیشنهاد * نمود.

هنگام سفر از چین به ملک افسانه‌ای هندوستان، که مقصد سفر سیاح سیوان - سُزان زیارت موضع‌های * مقدس بودایی بود، به او لازم می‌آمد، که گاهی راهبری کاروانی بزرگ را به عهده داشته باشد و گاهی عصا به دست در بیابان‌های بیکران «تفسان *» تن تنها * پا اجرای * مقصد خویش رهسپار باشد.

او امتحان‌های جدید حیات را در سفر پشت سر می‌نهاد. واقعیت دشوار حیات مختلف را صبورانه دیده، مشکلات را برطرف می‌کرد و حتی در دشوارترین لحظه‌های حیات، که «فرصت عمر با اشک سرمژگان» برابر بود، ناترسانه * به



جاده ابریشم

درست معنایی آن نوشته‌جات‌ها، او در نزد خود مقصد گذاشت، که به هندوستان شمالی، مکان پیدایش وطن اصلی بودایی سفر نماید و متن‌های اصلی دین بودایی را دسترس نماید*، از برنماید و آن‌ها را به کشورش آورد و با این راه مشکلات موجوده دین بودایی را حل نماید. اما با این مقصد او نه تنها اهل و عایله و هم‌کیشان، بلکه امپراطور نیز راضی نبود و چنین سفر خطرناک را هیچ‌کس طرفداری کردن نمی‌خواست*. از جانب دیگر وضع سیاسی کشور بسیار مُرکَب* بود. بیش از همه، این جنگ و جدال‌های بی‌آخر* امپراطور با دشمنان دایمی‌اش از قبیل ترک‌ها و تبتی‌ها و قوه‌های* مرکزگریز، همه‌گونه سفر و سیاحت را خطرناک می‌نمود. ناوابسته به آن که راه ابریشم، مهم‌ترین راه تجارتي و دیپلماتی [بود] همه وقت از جانب دولت‌ها محافظت کرده می‌شد و هنوز تا هزار ساله یکم تا میلاد، چین با آسیای میانه رابطه‌های مستملکی* را برقرار کرده بود. (۱۱۹: ۱۴) اما در این دوره حساس مرکب* کس بهتری آن را کفالت داده نمی‌توانست* و این حالت به سیوان - سُزان معلوم بود. از این رو، او به‌طور پنهانی در سال ۶۲۹ م شهر «سین» را ترک می‌نماید و به سفر مضافات‌ها* غربی امپراطوری می‌رود. در این وقت او ۲۶-۲۷ سال داشت (۵۶: ۱۱) با راه کاروان گذر او از پنج قلعه مدافعوی* سرحدی* امپراطوری به بیابان‌های «ناکالا مکان»، «گویی» و «حامی» گذشته، به سرگاه* نبت و هیمالیا آمده رسید. اما من بعد با این راه امکانیت* ادامه دادن سفر به هندوستان نبود. زیرا با برف و پیریخ‌ها* بسته شده بودند. اما راه یگانه توسط قسمت شمال و غرب، یعنی با واسطه حدود آسیای مرکزی، ناوابسته به مشکلات، گشوده بود، که سیوان - سُزان با این راه، رفتن را انتخاب نمود. دشواری‌های زیاد کاروانیان تا به سلسله‌های «تیان‌شان» آمده رسیدند و از آن گذشته به «تورفان» رسیدند. بعد از این پس سرکردن* بیابان‌های زیاد، این موضع* یگانه جای آباد بود که در

پیش می‌رفت، از همه مهم [تر] او با روحیه‌ای شکست‌ناپذیر، چه‌طور* که فلسفه چینی تعلیم می‌داد، به همه دشواری‌های حیات طاقت* می‌کرد. امپراطوری چین از سلاله‌ی «تان تای تسون»، سیوان - سُزان را بعداً «گنجینه‌ی امپراطوری» نامیده بود. (۳۹: ۱۰)

در مجموع، معلومات‌های جمع‌آورده‌ی او درباری «کشورهای غربی»، اگرچه آن‌ها را برای دولت‌داران زمانه آماده نموده بود، تا به امروز قیمت و موقعیت خود را گم نکرده، دایره آسیای مرکزی عصرهای میانه، بروقت* مواد نهایت مفید تاریخی بوده، سرچشمه معتمدترین* به‌شمار می‌رود. قدر و منزلت اثر یادشده سیوان - سُزان، در برابر معلومات مورخین ارمنی، با مواد سرچشمه‌های عربی و فارسی - تاجیکی هم‌قدم* است. همچنین یک قطار* معلومات کتابی او در بعضی مسائل، از سرچشمه‌های مذکور مهم‌تر می‌باشد. ناوابسته به آن* که سیاح؛ بیشتر به جایگاه دینی بودایی و موقع آن در بین اهالی کشورهای مختلف دقت اساسی خود را روانه کرده است، معلوماتش درباره عرف و عادت، تعامل زبان، طرز دولت و دولت‌داری، حیات اجتماعی - فرهنگی اجدادان ما تا به امروز خیلی مهم و دقت جلب کننده بوده، حجت‌هایی اساسی* به‌شمار می‌روند.

سیوان - سُزان سال ۶۰۲ م در مضافات* هونان* چین در عایله‌ای* معتقد [به] تعلیمات کنفوسیوسی چشم به دنیا گشود. معمولاً در چنین عایله‌هایی تعلیم و تدریس عنعنوی* بود. سیوان - سُزان نیز معلومات خوبی را صاحب گشت. دیرتر*، او در زیر تأثیر یکی از چهار برادرانش به آموزش نوشته‌جات و عملیات دینی بودایی میل می‌نماید*. در سن ۱۲ سالگی به دایره مردم بودایی وارد گشته، سال ۶۲۲ م پُرّه* به هیأت معبد می‌گذارد*. هنگام آموزش متن‌های مقدس سانسکریتی بودایی او با خلاصه* می‌آید، که در ترجمه آن‌ها خطاها و بعضی ناهمی‌ها و نقصان‌ها جای دارد. برای اصلاح آن خطاها و نقصان‌ها، درک

شهر سمرقند در چهار راه تجاری قرار داشت، تاجران دولت‌های مختلف می‌توانستند در این‌جا با هم مال و کالا [مبادله] نمایند. سمرقند نقطه آخرین غرب بود که سیوان - سزان آن را تصویر نموده است

سمرقند را دلیر و نترس تصویر کرده؛ نشان داده است که او سربازان صادقی در اختیار دارد. حاکم سمرقند پس از صحبت با زاهد بود این سال ۶۳۱ م به چین هیأت نوی * را به سفارت روان کرد، به تحکیم روابط دیپلماتی و تجارتی مساعدت نمود. از سمرقند سیوان - سزان و همراهانش به سمت جنوب راه پیش گرفته به کیش [و] سپس با واسطه قطار کوه‌های * حصار، طریق گذرگاه کوهی «دار آهنین» به ملک پهناور تخارستان وارد شدند.

در آسیای مرکزی در نیمه دوم عصر ششم (سال‌های ۵۶۷ - ۵۶۳ م) دولت ابرقدرت هیاطله از بین رفته بود (۹: ۱۲۹). دو دولت دیگر [یعنی] شاهی گری * ساسانیان و دولت خاقانی ترک‌ها پس از تقسیمات سرحداتی * این دولت بین یکدیگر، مبارزه را سر کردند *. موقع ترک‌ها در آسیای میانه بیشتر پرقوت * می‌شد. موج اولیه حرکت ترک‌ها به «تخارستان» به سال ۵۸۹ م راست می‌آید * و تنها در عهد خاقان تون - شی هو (بینگو) (۶۳۰ - ۶۱۸ م) آن‌ها. پره * در این ملک حاکمیت را به دست گرفته، اداره آن را خاقان با پسرش تردو - شاد واگذار می‌کنند... (۱۰۱: ۱۵) در «ترمذ» سیوان - سزان مقدار زیادی جماعت بوداییان را مشاهده نموده، می‌نویسد که در این‌جا ۱۰ معبد و زیاده از بیش از هزار نفر راهب بودایی موجودند. او این چنین از وجود داشتن هیکل و مجسمه‌ها و معبد‌های بودایی در ترمذ خبر می‌دهد. ترمذ شهری ثروتمند و زیبا بود، موجودیش در نزدیکی دریا * و به امکانیت پیشرفته اقتصادی و اجتماعی آن می‌افزود. (۸۲: ۱۲) در عرفه * هجوم عرب‌ها ترمذ شهری بزرگ بود. گرد و اطراف آن با دیوارهای دراز و بلند مدافعوی * فرا گرفته شد. (۳۳: ۱۹)

البته در مقایسه با سغد، در تخارستان موقع دینی بودایی مستحکم بود. در «آچین تپه»، «فایض تپه»، «فراتپه»، «بالالیک تپه»، «ترمذ» و مناطق دیگر بودایی مرکزهای بزرگ خود را داشت. تأکید کردن به موردی است که اگر «آچین تپه» نمونه برجسته صنعت * مشترک محلی تخارستان با هند و بودایی باشد، پس «بالالیک» تپه درجه بلند صنعت صاف * محلی و قریب به عامل‌های بیرونی بود. در «فایض تپه» نشانه‌های بودایی هندی و باقی‌مانده صنعت معماری هلنیستی را دینن ممکن است (۸: ۱۷) در پیشرفت بودایی و گسترش آن نقش نمایندگان مردم تخارستان خیلی زیاد است. همچنین تمام عامل‌ها و مقدسات منصوب به بودایی در آسیای مرکزی، دیر و معابد استوایی * و مجسمه‌های بودایی از جمله در شکل نیروانا معمول گشته بود (۵: ۴) قسمتی از اهالی تخارستان به دین بودایی گروید به زبان خود ادبیات و متن‌های زیاد بودایی را ترجمه نموده بودند (۴: ۲).

اما در آن دوره که سیوان - سزان به این سرزمین سفر داشت، بودایی‌ها قدرت

آن کاروانیان می‌توانستند با آب و غذا تأمین باشند، استراحت کنند و با خود مواد ضروری غذایی را گرفته سپس سفر خود را دوام * دهند. قابل توجه می‌باشد که حاکم «تورفان» از آمدن سیوان - سزان خبردار شد او را به عزت و احترام خواسته، پیشواز گرفت، و خوب میهمانداری نمود و برای ادامه سفرش یاری رساند. پس از تورفان، زاهد بودایی با همسفرانش سیاحت را دوام داد. از زمین‌های «کاشغر» و «تین‌شان» گذشته تا به «آقسو» رسیدند. از این‌جا به طرف شمال حرکت کرده از کوه‌های برف‌پوش «موس - تاک» (لین - شان) گذشته به ساحل‌های شرقی «ایسی کول» * راه پیش گرفتند. گذشته از این قطار کوه‌ها * خیلی دشوار بود. تنها در کوه «لین - شان» مسافران ۷ روز سرگردان شدند. در این سفر دشوار هنگامی که تابه «ایسی کول» آمده رسیدند، آن‌ها سه - یک * سیاحان و مقدار زیادی اسب و مرکب‌ها را از دست دادند. سیوان - سزان «ایسی کول» را توصیف نموده، درست * شرح داده است، که نه همه آب آن برای آشامیدن موافق است *. مورد ذکر است که ساحل‌های «ایسی کول» قرارگاه زمستانی خان‌های خاقان‌های ترک‌های غربی بود. تابستان آن‌ها به تاشکند می‌کوچیدند. سیوان - سزان با خان ترک‌ها در آخرهای سال ۶۳۰ م در محله توقمان واخوری نمود *. این خان نیز با احترام مخصوص میهمان از راه دور آمده را میهمان‌داری نمود. حتی به او چند پارچه ابریشم و اطلس را تحفه کرد * و برای ادامه سفرش کمک رسانید. سیوان - سزان خاقان، میهمانداری و ثروت و اردوی او را توصیف کرده، می‌نگارد که در تابعیت او مقدار بی‌شماری سربازان موجود بود، همه جنگ‌دیده و کارآموده می‌باشند... نقطه دیگری که در آن سیاحان استراحت کردند تاشکند بود. که پس از «بولعطا» مسافران به آن‌جا رسیدند. پس از این هیأت مسافران به سمرقند رهسپار شدند. خصوصاً وادی فرغانه از جانب سیوان - سوزان وسیع شرح یافته است. مورد توجه است که شهر سمرقند در آن دوره پرتضاد نیز موقع تجارتنی خود را همچون یکی از مرکزهای مهم از دست نداده بود و با ثروت و مصالح * کشاورزی، هنرمندی و دیگر مصنوعات خود مشهور بود. شهر سمرقند در چهار راه تجارتنی قرار داشت، تاجران دولت‌های مختلف می‌توانستند در این‌جا با هم مال و کالا [مبادله] نمایند. سیوان - سزان نیز از این‌جا از یک‌یک طرف با سوداگران از چین آمده ملاقات کرد و از دیگر جانب با تاجران هندی واخورد. «سغد» آن زمان اگر چه به مثل همسایه‌اش تخارستان در حالت پراکندگی سیاسی قرار داشت، اما در ملک‌های علی‌حده آن در بسیار ساحت‌ها * پیشروی و ترقی دیده می‌شد. خود سیاح دایره عرف و عادت، ذکاوت و دانش سغدیان و کردانی و مهارت آن‌ها به احترام سخن بیان کرده است. سمرقند نقطه آخرین غرب بود که سیوان - سزان آن را تصویر نموده است. او حاکم

در آسیای مرکزی در نیمه دوم عصر ششم دولت ابر قدرت هیاطله از بین رفته بود. دو دولت دیگر [یعنی] شاهی‌گری ساسانیان و دولت خاقانی ترک‌ها پس از تقسیمات مرزی به جنگ با یکدیگر پرداختند

راه بزرگ ابریشم

زندگی کرد. تمام وقت خود را صرف آموزش تعلیمات بودا و بودایی نمود. او صدها اثر و رساله و کتاب‌های بودایی را مطالعه کرد، با بزرگ‌ترین داندگان*، زاهدان، فیلسوفان و مبلغان دینی بودایی و روایت‌های زیادی آن از نزدیک شناس* شد. او از آن‌ها تمام پهلوهایی* این نخست دین جهانی را، آموخت. با آنان بحث و مناظره‌ها انجام داد، به مقدار زیاد درباره [دین] بودایی کتاب، هیکل* و دست‌خط و معلومات‌ها جمع‌آوری نمود. دائماً در جست‌وجو بود. هنگام بازگشت به وطن راجه هندی «خوارشا» به او نه تنها اسب و ارابه برای کشاندن بار زاهد و برای محافظت سربازان جدا کرد، بلکه به سیوان - سُزان فیل خاصه تقدیم کرد. قریب به* هیچ‌کس در خاطر نداشت، که حاکم کشور به راهب خارجی با عرض احترام فیل تقدیم کرده باشد! غیر از این او باز به مقدار سه هزار تنگه* طلا، ده‌هزار تنگه نقره برای خرج و صرف* راه به سیوان - سُزان تحفه کرد.

راه بازگشت از هندوستان به چین توسط پامیر صورت گرفته است. با گذشتن از هندوکش شاید آنها به واسطه عقبه* حواک به بدخشان آمده باشند. او درباره ملک‌های «واخان» و «شوغانان» [چغانیان] و چیترال معلومات داده است و از بدخشان به پامیر گذشته، این منطقه را همه‌طرفه* توصیف کرده است.

و. گریگوروف در تحقیقات* خود یادی از گذشتن راه‌های واخان و پامیر و کاشغر سیاحان سیوان - سُزان و «م. پالا» و «گوی‌سی» کرده، دشواری آن راه‌ها را قید می‌نماید. (۱:۹) در بعضی مناطق هیأت‌خیلی به دشواری می‌گذشت. موشکیتفای. و در عصر ۱۹ می‌نگارد، که در وادی «شاهمردان» نشانه‌های حیات کم‌دچار* می‌آید و رستنی‌های بوتگی* خرد‌خرد می‌رویند (۱۸۳-۱۸۲:۱۱) در سفر سیوان - سُزان هنگام گذشتن از کوه‌های بلند نیز همین گونه حالت موجود بود و از طرف دیگر فصل سرما حکم‌ران بود. در سال‌های ۱۲۷۳-۱۲۷۲ م وقتی که سیاح جسور

دیگر مارکوپولوی ونیزی از اینجا گذر کرده بود، عقبه‌های* مشکل‌گذر* و اقلیم سرد و چاروی* این سرزمین را توصیف کرد. برآمد* اسب‌های بدخشان را از بوتسفالی* اسکندر مقدونی می‌داند (۵:۱۸) شرح این موضوع‌ها از جانب او با قیده‌های سیوان - سُزان خیلی شباهت دارد. همچنین مارکوپولو نشان داده بود که در وادی‌ها و کوه‌های این موضع چراگاه‌های خوب موجود است، که به پیشرفت ساحه* چارواداری مساعدت می‌نمایند. (۱۱۰:۱۳) این سرزمین اقلیم و ساخت خود را دیگر* نکرده است و حق به جانب «آ. سنکوفسکی» است، که ابراز داشته بود: «... در پامیر خصوصاً سردی اقلیم از جانب تمام نفران* که از اینجا گذر کرده‌اند، مخصوص قید گذشته است» (۱۴۶:۱۶)

نوابسته به همین دشواری‌ها، هیأت کاروانیان سیوان - سُزان راه خود را دوام داده ممکن است که طریق راه «پامیر خرد» گذشته، از روی شنیده‌هایش عابد* به

خود را تدریجاً از دست می‌دادند. سیوان - سُزان اول مدتی در خالو (قندوز) که شهر مرکزی ترک‌ها به حساب می‌رفت، ایستاد*. بعد به بلخ رفت، نقطه دیگر جای ایست سیاحان شهر باستانی «بلخ» مرکز باختر تخارستان انتخاب گشت که آن نیز مرکز مهم تجارتی و مدنی و سیاسی به شمار می‌رفت و در «راه ابریشم» موقع خاصی را اشغال می‌کرد. اما در این وقت آن شهر خردی* بود. مرکز قدیم‌ترین مدنیت ایرانی و شاید کهن‌ترین مرکز ساخت دولت‌داری اقوام ایرانی بلخ باشد که در جای کولای ساخته شد و ۱۲ فرسخ دورتر از آموی جای داشت (۳:۳۷) در این‌جا معابد بزرگ نوبهار موجود بود، لیکن آن هم روبه فتور آورده بود. پس از آن سیاحان با راه دشوارگذر هندوکش به بامیان رسیدند. سیوان - سُزان اقلیم جای را در تابستان نیز سلقین* و سرد* بها داده* کوه‌های آسمانبوس* آن را برقیوش قلمداد کرده است و از مردمان جنجگو و از بعضی افراد عیار و دزدبیشه یادآوری نموده است. البته آن چیزی که او را به وجد آورد، این دو هیکل بزرگ بودا در شاخ کوه* بود. طوری [که] معلوم است بر اثر کردار وحشیانه طالبان در عصر بیست و یک این میراث فرهنگی - تاریخی قسماً* ویران کرده شد. اما در آن وقت برای زیارت و تماشای آن، بوداییان از گوشه و کنار عالم به بامیان می‌آمدند. حتی اندازه و طرح آن برای ساختمان هیکل‌های زمین در چین و ژاپن نمونه گشت (۴۱:۱۰) به قول گنزی یول، سیوان - سُزان در بین سال‌های ۶۴۴-۶۳۰ م دولت هیاطله‌ها را در حالت پراکندگی و ملک‌های آن را تابع خاقان‌های ترک‌ها می‌داند. در «ترمذ» و «خولیم»، «بلخ» به خصوص در بامیان و حتی در «اندرآب»، «خوست» و واحه‌هان* مرکز پامیر او دیرهای بودایی را دیده است (۳:۱۸)

وقتی سیوان - سُزان به بامیان تشریف آورد، در این‌جا نیز او را حاکم این ملک با احترام پیشواز گرفت*. در بامیان هم‌چنین چندین دیرهای بودایی فعالیت داشتند. تعجب‌آور آن است، که قیده‌های این سیاح درباره بامیان تقریباً پَره با زمان ما راست می‌آید. آن چیزی که او درباره مدنیت زراعت‌کاری* در شرایط ساخت کوهسار تصویر کرده است تا دوره‌ی ما شکل خود را قریب دیگر نکرده*، زراعت‌کاری، چارواداری* خصوصاً گوسفندپروری به هیأت* اندرونی «غارها»، خیلی دقیق ثبت شده است. (۵:۹۱) جلال‌آباد کنونی یکی از آن موضع‌ها بود، که با روایت‌های مردمی‌اش درباره بودا مشهور بود. در نزدیک این شهر در کوه‌ها گورهایی موجود بودند که طبق روایت‌هایی از آن‌ها بودا دین کرده است و حتی سایه او در آن کوه‌ها نقش بسته است. سیوان - سُزان این همه را زیارت نمود. با گذشت چند عقبه* کوه‌ها و با مشکلات زیاد او به هندوستان آمده و در این کشور هم خوب پذیرایی یافت. در هندوستان سیوان - سُزان بیش از ده سال

«کول ازدها» معلومات می‌دهد (۵۶: ۱۱) سپس از «سری کول» گذشته تا به کاشغر می‌رسد و از آن جا به واسطه «بارکند» و «ختن»، سیوان - سُزان پس از ۱۶ سال مسافرت و زیارت جای‌های مقدس با سری بلند به وطن [خود] به چین برمی‌گردد. در بارخلت‌های * او مقدار زیادی دست‌خط و اثر و نوشته‌ها و قیدها موجود بود. سیوان - سُزان از جانب امپراتور لی‌شی‌مین و اهل دربار در پایتخت شهر چان آن با طنطنه * پیشواز گرفته شد. برای انشای «قیدهای» سفر خود او باز بیش از یک سال دیگر حیات خود را صرف کرد. در نتیجه به اثر تاریخی و ادبی تبدیل شد، که آن برای تمام پژوهشگران تاریخی عصرهای میانه بروقت * آسیای مرکزی و تاریخ بودایی سرچشمه اساسی * گشت. سیوان - سُزان تمام عمر باقی‌مانده خود را به ترجمه اثرهای بودایی به زبان چینی صرف کرد، که دیگر یگان * نفر محقق در این مسایل با او برابر نگشت. سیوان - سُزان و شاگردانش بیش از هزار لوله‌های متن‌های بودایی را به زبان چینی آماده نمودند و با گنجینه جهانی دین بودایی ظاهری بزرگ را اهدا کردند. س. یوان - س. زان ۵ فوریه سال ۶۶۴ م وفات کرد (۴۲: ۱۰) و در خاطره انسانیت، او چون سیاهی جسور، دیپلماتی نکته‌سنج، فیلسوفی ناتکرار *، زبان‌شناسی پخته‌کار * و زاهدی اعتقادمند * دین خویش، جای ابدی گرفت، شناسایی * با سرگذشت و فعالیت این گونه رادمردان در زمان معاصر از اهمیت خالی نبوده، در برابر آموزنده بودن، در تحکیم مناسبت‌های * فرهنگی دیپلماتی نیز نقش مناسبی می‌بازد *.

واژه‌نامه:

آسمانبوس = سربه فلک کشیده
استوپایی / استوپه^۲ = محراب بودایی
اعتقادمند = معتقد
امکانیت = امکان
ایستادن = توقف کردن
بارخلت = وسایل سفر؛ خلته = کیف و ساک سفری
بازیدن = بازی کردن
برآمد = خرج، هزینه، مقابل درآمد
بروقت = به‌هنگام
بوتگی = بوت‌های
به هیأت جایی گذاشتن = عضو جایی شدن
بها دادن = ارزیابی کردن، ارزش‌گذاری کردن، نمره دادن
بی‌آخر = بی‌پایان
پای‌اجرا = پای‌پیاده
پخته‌کار = باتجربه، متخصص
پرقوت = نیرومند
پُره = کامل، کاملاً
پس سر کردن = پشت سر گذاشتن
پهلوی = جنبه
پیریخ = بیخجال طبیعی
پیشنهاده = ارائه؛ پیشنهاده کردن = ارائه کردن
پیشواز = استقبال؛ پیشواز گرفتن = استقبال کردن
تحفه = هدیه؛ تحفه کردن = هدیه دادن

تدقیقات = تحقیقات
تفسان = گرم، سوزان
تنگه = سکه، پول خرد
تن تنها = تک و تنها
چارواداری = دامداری
چه‌طور = آن‌گونه
حجت = سند؛ حجت اساسی = سند مهم
خرد = کوچک
داننده = دانشمند
دایر به = درباره
درست = دقیق
دریا = رودخانه
دسترس نمودن = از نزدیک دیدن
دوام = ادامه؛ دوام دادن = ادامه دادن
دیرتر = بعدها
دیگر شدن = عوض شدن، تغییر کردن
راست آمدن = همسان شدن، برابر شدن؛ مصادف شدن
زراعت‌کاری = کشاورزی
ساحه = عرصه
سر کردن = شروع کردن؛ آغاز کردن
سرچشمه = منبع تاریخی؛ سرچشمه اساسی = منبع تاریخی دست‌اول
سرد = کم
سرگاه = لب‌تپا
سلغین = سرمارده، سوخته از سرما
سه - یک = یک سوم
شاخ = قله؛ شاخ کوه = قله کوه
شاهی‌گری = شاهنشاهی
شناس = آشنا
شناسایی = آشنایی
صاف = خالص
صرف = هزینه
صنعت = هنر
طاقت = تحمل؛ طاقت کردن = تحمل کردن
طرف = جانب؛ همه‌طرفه = همه‌جانبه
طرفداری کردن = موافق بودن، طرفداری کردن نمی‌توانست = موافق نبود
طنطنه = شکوه؛ کروفر
عاید = مربوط
عایله = خانواده
عرفه = آستانه
عقیبه = گردنه، راه دشوار‌گذر
علم = آگاهی
عنعنوی = سنتی
فراغ‌انگیز = فرحبخش

6. Гойбов Г. Средняя Азия на кануне и в период арабского завоевания (Краткий историко-географический обзор) "История Турана. Общ. истор. Научно-поп. сбурник. часть 1. Ташкент. 2005. С. 15-19.

7. Гордон. Путешествий на Памирь. Изв. имп. Русск. геогр. общ. Пер. М. И. Венюковъ. С-Петербургъ. 1877.

8. Жукщвъ. Ф. Верхнее течнии Аму-дарья // Туркестанские ведомости № 12. 18-го

Марта 1880г.

9. Исоьатов М. М. Ирано-среднеазиатские взаимоотношения по "Таърик-и Табарі" Балъами Душанбе-Бишкек. 2006.

10. Мирзаев Р. Сюань Цзянь: Путешествие по шелковому пути к буддийским святыням // Mozidan Sado // Эхо истории Ташкент 2004. 1(21) С. 39-42.

11. Мушкетов И. В. Тркестон в геологически и орографически описаниенно данным собранным во время путешестввнией с 1874 г. по 1880г. Т. 1. ч. 1. Петрогородъ. 1915.

12. Омонтурдиев Ж. Термез атамаси тарихидан \\\\ Жайхон. Вестник ТерГу. № 1 \\\\ 2005 Тфшкент. С. 80-83.

13. Путешествия венеция Марко Поло в XIII столетии. Пер с немец. А. Н. Шемякина. М. 1863.

14. Ртвеладзе Э. Великий шелковый путь. Энциклопедический справочник. Древность и ранее средневековье. Ташкент. 1999.

15. Ртвеладзе Э. Источеское прошлое Узбекистана. Ташкент. 2005.

16. Сенковский О. И. Амударья. СПб. 1835.

17. Ульмасов А. Архиктектур будийского харамого комплекса Фаяэтпепа \\\\ SANAT. журнал Искусства 2 \\\\ 2006 Ташкент. С. 6-8.

18. Юль. Генри. Очерки географий верховьевъ Аму-дарьи. (пер. с. англ. О. А. Федченко, Н. В. Ханькова и Г. Юля) СПб. 1873.

19. Хмельницкий. С. между арабами и тюрками. Ранне-исламская архитектура Средней Азии. Берлин-Рига. 1992. - 340.

قریب به = نزدیک به

قسماً = کلاً به کلی

قطار = رشته، سلسله؛ قطار کوه = رشته کوه

قوه = نیرو

قید = یادداشت، نوشته؛ قید سفر = نوشته سفر، سفرنامه

کول = تالاب

کفالت داده نمی توانست = نمی توانست اداره کند

مدافعوی = دفاعی

مُرکب = پیچیده

مستملک = مستعمره؛ مستملکی = استعماری

مصالح = محصولات

مضافات = توابع، محدوده

معتمدترین = معتبرترین؛ سرچشمه معتمدترین = معتبرترین منبع تاریخی

معلوم = مشهور

معلومات = اطلاعات

مناسبت‌ها = مناسبات

موافق = مناسب

موضع = جا، مکان، موقعیت

میل = گرایش؛ میل می نماید = گرایش می یابد

ناترسانه = بی‌یاکانه، بدون ترس

ناتکرار = بی‌مانند، بی‌بدیل

ناوابسته به آن = به غیر از آن

نفران = نفرها، اشخاص

نو = جدید

واخوری = ملاقات؛ واخوری نمودن = ملاقات کردن

واحه‌هان = واحه‌ها

هم‌قدم = برابر

هونان = هون‌ها

هیأت = شکل

هیکل = مجسمه

یگان = یک؛ یگان نفر = یک نفر

پی‌نوشت:

۱. متن حاضر به تاجیکی و با رسم الخط سیرلیک نوشته شده بود که برای قابل استفاده شدن در نشریه، علاوه بر برگردان به رسم الخط فارسی، به دلیل لزوم وفاداری به شیوه نوشتاری نویسنده، معادل تعدادی از واژگان رایج در تاجیکی که برای ما ممکن است دیر فهم به نظر آید، تنظیم و تقدیم شده است. (برگرداننده)

۲. سیوان سزان تلفظ روسی، هیوئن تسانگ / هسیوان دزانگ چینی است. در متن‌های فارسی ضبط چینی استفاده می‌شود.

۳. این کلمه در زبان پالی Thūpa و در سنسکریت Stūpa گفته می‌شد. امروزه در افغانستان هنوز «توپ» می‌گویند.

منابع:

1. Абу_Долефъ, и странствовании его по Средней азии Иследовнии В. Григорьев. СПб. 1872.
2. Бартольд В. В. История культурной жизни Туркестан Л. 1927.
3. Бартольд В. В. Исторческой географии и истории Ирона. М 2003.
4. болагоно М. Архитектурамбудинских памятников Серденей азии // SANAT // журнал история истскуства № 2 Ташкент. 2004 С. 4-7.
5. Вавилов Н. И. Букинич Д. Д. Земледельческий Афганистон л. 1929.